

منابع حقوق فردی

در قانون مدنی ایران بطور صریح از منابع حقوق فردی صحبتی نشده است ولی شارحین و مؤلفین ایرانی از تقسیم بندی مؤلفین فرانسوی قانون مدنی فرانسه تبعیت کرده و آنرا بشرح زیر بیان داشته اند :

۱ - عقد.

۲ - شبه عقد.

۳ - جرم.

۴ - شبه جرم.

۵ - قانون

تقسیم بندی فوق را برای اولین بار بوتیه حقوق دان فرانسوی بیان نموده و در قانون مدنی ناپلئون که در ۱۸۰۴ تدوین گردیده مورد قبول قرار گرفت.

این تقسیم بندی با اندکی اختلاف، سابقه دارد. ژوستین حقوقدان عالیقدر رم در کد معروف خود منابع حقوق فردی را بچهار دسته تقسیم کرده است :

عقد و شبه عقد و جرم و شبه جرم.

ژوستین از قانون بعنوان یک منبع مستقل سخنی بمیان نیاورده است. نکته ای که در اینجا باید ذکر شود اینست که منابع یاد شده موقعی دارای ارزش و اثر قضائی هستند که قانون آنها را شناخته باشد و حتی عرف و عادت موقعی دارای ارزش و اثر قضائی است که مستند به قانون باشد (ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران).

بهر صورت نیاوردن « قانون » در ردیف منابع چهار گانه حقوق فردی از طرف ژوستین از نظر قضائی محل بحقوق افراد نمیتواند باشد ولی از نظر بحث نظری حقوقی خالی از اشکال نیست.

تقسیم بندی قانون مدنی فرانسه که مورد قبول حقوقدانان ایرانی قرار گرفته بنظر عده کثیری از معاصرین نادرست میباشد و از جهات عدیده مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

معاصرین معتقدند که این تقسیم بندی اولاً غلط و ثانیاً ناقص است :

اولاً - غلط است از این نظر که بین « عقد و شبه عقد » و « جرم و شبه جرم » از لحاظ منبع حق بودن فرق قائل شده است در حالیکه قانون گذار شبه عقد را در حکم عقد و شبه جرم را در حکم جرم تلقی کرده و همان احکامیکه بر عقد و جرم بار میشود بر شبه عقد و شبه جرم هم بار میشود. و اگر از لحاظ مصادیق فرق داشته باشند از نظر احکام و اثر یکی هستند.

منابع حقوق فردی

ثانیاً - ناقص است از این نظر که اراده یکطرفه را مورد توجه قرار نداده است درحالیکه اراده یکطرفه علیرغم اقراران بازاده طرف دیگر ممکن است منبع حق واقع شود مانند جعاله و حتی که برای شفیع برملک غیر حاصل میشود.

تقسیم بندی جدید که مورد قبول طراحان قانون مدنی سوئیس و قانون مدنی آلمان و مصر و عراق قرار گرفته است بشرح زیر میباشد :

۱ - عقد (شامل شبه عقد هم میشود).

۲ - اراده منفرد.

۳ - عمل برخلاف قانون (جرم و شبه جرم).

۴ - دارا شدن بدون سبب «Enrichissement Sans cause»

۵ - قانون.

درخصوص عقد هیچگونه بحثی لازم نیست چه مورد قبول کلیه مقننین و شارحین بوده و هست. دراین تقسیم بندی شبه عقدرا هم تحت عنوان عقد باید مورد بحث قرار داد.

ولی درخصوص اراده یکطرفه یا اراده منفرد میتوان جعاله و شفعه را نام برد ماده ۱۹۱ قانون مدنی عراق صراحت دارد که :

« اگر کسی برای انجام عملی حق الجعاله ای قرار داده باشد و شخص دیگری حتی بدون علم از این جعاله آن کار را انجام بدهد مستحق دریافت حق الجعاله میباشد .

یعنی قانون مدنی عراق اراده جاعل را بالانفراد موجد حق برای انجام دهنده عمل دانسته است.

در شفعه نکته دقیقی مطرح میشود. باید بیان حق اخذ شفعه و حتی که برای شفیع نسبت بملک غیر ایجاد میشود فرق گذاشت. حق اول مستقیماً مستند بقانون است ولی حق دوم نتیجه اراده یکطرفه شفیع است.

در خصوص عمل برخلاف قانون فقط این را باید گفت که شامل جرم و شبه جرم میشود. دراینکه جرم منبع حق میشود. اشکالی نیست و شبه جرم چون درحکم جرم است درست مانند جرم منبع حق واقع میگردد.

دارا شدن بدون سبب که بفرانسه آنرا «Enrichissement sans cause» و یا حسب نقل جناب آقای دکتر سید حسن امامی «Enrichissement injuste» مینامند خود بالاستقلال یک قاعده حقوقی بشمار میرود و منبع خاصی برای حقوق فردی میباشد درقرآن مجید آیه کریمه :

« وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ »

درقانون مدنی ایران مواد ۳۲۶ و ۳۲۷ مخصص باین مطلب میباشد.

و اما درخصوص قانون بعنوان منبع حقوق فردی باید گفت گاهی قانون وضعیتی را برسمیت شناخته و آنرا منبع حق قرار داده است بدون اینکه صاحب حق کمترین کاری انجام داده باشد یا در ایجاد آن وضعیت مداخلتی داشته باشد.

منابع حقوق فردی

از این قبیل است حق شفعه که برای شریک‌الملک تحت شرایط و مقررات مخصوصی ایجاد میشود و او میتواند به‌ون رضایت صاحب ملک یا خریدار پس از دادن قیمت ملک غیراً تصاحب کند و این تصاحب بحکم قانون جایز و مشروع است (ماده ۸۰۸ قانون مدنی). مثال دیگر ارباب بردن اقربای میت از ماترک او میباشد که ناظر بوضعیت مفروضه میباشد. وارث ممکن است هیچگونه نقشی در ایجاد رابطه قرابت نداشته باشد و عملی هم انجام نشده است که مبنای توارث گردیده باشد بلکه حکم قانون چنین است که پس از فوت هر کس اقرباء او طبق مقررات خاصی مالک ماترک او میگردند.

مثال دیگر حقی که قانونگذار بموجب ماده ۸ قانون چک بی محل مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۳۷ برای دارنده چک شناخته شده است. ماده مزبور بقرار زیر است:

«در مواردیکه صادرکننده نسبت بچک ادعای جعل نموده و از عهده اثبات آن بر نیاید دادگاه او را علاوه بر کیفر مقرر در بندب ماده ۳۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی بیک ربع وجه چک برای تأمین خسارات معنوی و صدی دوازده خسارات تأدیه بسود مدعی خصوصی حکم خواهد نمود.»

لحن بیان ماده فوق طوری صریح است که مدعی خصوصی احتیاج بهیچگونه اقدامی ندارد. کافی است که ضمن دادخواست از محکمه جنحه تقاضای صدور حکم طبق این ماده بنماید و در آن صورت دادگاه مکلف است باستناد حقی که قانون مستقیماً برای مدعی خصوصی شناخته صادرکننده چک را بپرداخت ربع وجه چک بابت خسارات معنوی در وجه دارنده چک محکوم نماید.

شاید بظاهر چنین مفهوم گردد که این حق ناشی از جرم است ولی این نظر مردود است زیرا صادرکننده چک مجال دفاع ندارد و حتی در صورتیکه دفاعاً ثابت کند که ادعای جعلیت موجب هیچگونه خسارتی برای دارنده چک نشده باز هم ملزم بپرداخت ربع وجه چک بدارنده چک میباشد.

بعلاوه ادعای جعلیت جرم نیست والا مجازات میداشت نه خسارت. تقسیم بندی جدید از دولحاظ یاد شده در صدر مقاله بر تقسیم بندی قدیم که مورد قبول شارحین ایرانی میباشد ترجیح دارد ولی چون قانون مدنی ایران تصریحی در این زمینه ندارد از نظر قضائی فاقد اهمیت مستقیم میباشد بلکه فقط از لحاظ بحث حقوقی و تعیین جهت فکر قضات در تصمیمات آنها مؤثر میباشد.

منابع

- ۱ - کد ژوستینین - باب ۱۲ در التزامات صفحه ۲۰۳.
- ۲ - النظرية العامة للالتزام تألیف دکتر حسن الذنون.
- ۳ - مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷ صفحه ۷۳۴.
- ۴ - حقوق مدنی تألیف دکتر سید حسن امامی جلد اول صفحه ۳۵۳.
- ۵ - حقوق مدنی تألیف منصور السلطنه عدل صفحه ۲۱۶.
- ۶ - حقوق مدنی ایران تألیف دکتر شایگان صفحه ۹۰.